



فرصتها و چالشهای سفر رهبر کاتولیکهای جهان به آمریکا ؛

## فرش قرمز برای پاپ

بی تردید جرج بوش، نخستین رئیس جمهور آمریکا نیست که کوشش می کند از فرصتی که سفر بهنگام پاپ به آمریکا پدیده آورده برای پیشبرد اهداف و تقویت موقعیت خود استفاده کند.

پاپ بندیکت شانزدهم که برای دیدارهایی پراهمیت به ایالات متحده سفر کرده، نام خود را از پاپ بندیکت پانزدهم به عاریت گرفته است. هنگامی که وودرو ویلسون، بیست و هشتمین رئیس جمهور ایالات متحده با هدف به نتیجه رساندن طرح تأسیس «جامعه ملل» به اروپا سفر کرد، پاپ بندیکت پانزدهم با او به گفتگو و رایزنی پرداخت. اما بوش چنین طرح بزرگی را در دستور کار ندارد.

جان نیکولز، روزنامه نگار و تحلیلگر مجله آمریکایی «نیشن» در یادداشتی با عنوان «پاپ و رئیس جمهور» به بررسی ابعاد مختلف سفر رهبر کاتولیکهای جهان به ایالات متحده پرداخته است. او می نویسد: رئیس جمهور کنونی آمریکا کاملاً امیدوار بود که با استقبال از پاپ بندیکت در پایگاه هوایی اندروز و دعوت از 12 هزار نفر برای حضور در ضیافتی که قرار بود با حضور پاپ برگزار شود و در ادامه پذیرایی از میهمانانی که از واتیکان به آمریکا آمده اند با شام باواریایی، میزان نومیدکننده محبوبیتش نزد افکار عمومی در نتیجه همنشینیی با یک رهبر مذهبی محبوب افزایش یابد. موفقیت این ابتکار، ساده به نظر نمی رسد؛ زیرا پاپ بندیکت در مهمانی شام حضور نخواهد داشت. با این وجود بوش از تلاش برای بهره برداری از این موقعیت دست بر نمی دارد.

جان نیکولز ادامه می دهد: شاید بوش باید راه دیگری را بیازماید و به جای ژست گرفتن در کنار پاپ، حرفهای او را درباره گرم شدن زمین، مبارزه با فقر و مهمتر از همه پیشبرد صلح آویزه گوش کند. هیچ کس نمی خواهد پاپ را با نماد کاریکاتوروار از یک سنت گریز اشتباه بگیرد. با این وجود پاپ، واتیکان را بیشتر از مقابله با تغییرات آب و هوایی جلوه داده است. واتیکان تحت رهبری پاپ کنونی اعلام کرد که در پی آن است که نخستین کشور عاری از کربن باشد.

بندیکت شانزدهم گفته است، رهبران دنیا بیشتر از سود شرکتها باید به فقرا، مبارزه با بیماریها و پشتیبانی از منافع کارگران توجه داشته باشند. همچنین پاپ آشکارا اعلام کرده، حمله پیشدستانه بوش به عراق و اشغال این کشور با تعالیم مسیحیت کاتولیک درباره جنگ عادلانه سازگار نیست. پیش از حمله [ایالات متحده به عراق] از پاپ بندیکت شانزدهم که با نام کاردینال ژوزف راتزینگر شناخته می شد، پرسیده بودند: آیا حمله [به عراق] را با استناد به معیار «جنگ عادلانه» می توان به لحاظ اخلاقی توجیه کرد؟ و او در پاسخ گفته بود: بی تردید نه! زیرا خسارات این مسأله بسیار فراتر از ارزشهایی است که امید نجات آنها را دارند. پس از آغاز جنگ، کاردینال راتزینگر خواستار جنبش مخالفت جهانی برای جلوگیری از ادامه حملات شد و گفت: شایسته است در برابر جنگ و تهدیدها و ویرانیهای آن مقاومت کنیم.

پاپ بندیکت شانزدهم با رد استدلالهای رئیس جمهور آمریکا و حامیان او مبنی بر اینکه ایالات متحده باید رهبری [جنگ] را به دست گیرد، اظهار داشت: هرگز نباید مسؤولیت تصمیم گیری برای دنیا را تنها به یک کشور سپرد. بنابراین جایی برای تردید باقی نمی ماند که جرج بوش برای عمل به اندرزهایی کسانی که حرفهای خوشایند او را بر زبان نمی رانند، راه دشواری در پیش رو دارد. با این وجود اگر این رئیس جمهور (بوش) می خواهد خود را با پاپ هماهنگ نشان دهد، باید به حرفهای مردی گوش فرا دهد که گفته است: دلایل کافی برای اعلان جنگ علیه عراق وجود ندارد....

جان نیکولز یادداشت خود را این گونه به پایان می برد: البته هیچ ناظر خردمندی تصور نمی کند که پاپ بتواند جرج بوش را به سوی صلح جویی رهنمون شود. بوش اگر حتی به صورت ذهنی درگیر موضوع جنگ عادلانه و غیرعادلانه نشود، نمی تواند ادعا کند که سفر پاپ به آمریکا را جدی گرفته است.